

آشنایی با سرمایه گذاری مستقیم خارجی



۱. کاهش نرخ بهره: جریان ورود سرمایه باعث افزایش نقدینگی در سیستم می‌شود، بنابراین نرخ بهره را کاهش می‌دهد. کاهش نرخ بهره، تقاضا برای دارایی‌های داخلی را افزایش می‌دهد (پول رایج داخلی) و به دلیل رابطه معکوس بین نرخ بهره و سرمایه‌گذاری خصوصی، حجم سرمایه‌گذاری‌ها افزایش می‌یابد و امکان کسب سود افزایش می‌یابد که خود مجدداً، مشوقی برای ورود سرمایه خارجی می‌شود.

۲. کاهش نرخ ارز: تحت شرایط رژیم نرخ شناور ارز، جریان ورود سرمایه منجر به افزایش ارزش پول رایج داخلی می‌شود. کاهش میل افراد یک کشور جهت خرید دارایی‌های خارجی باعث می‌شود آنها جهت تبدیل دارایی‌های خود به بازارهای خارجی وارد نشوند و تقاضای ارز و نرخ ارز کاهش می‌یابد و موجب قوت ارزش پول رایج داخلی می‌شود، پس قدرت خرید پول داخلی زیاد می‌شود و تورم کاهش می‌یابد.

۳. تأثیر مثبت در تراز پرداخت‌ها: افزایش جریان ورود سرمایه به کشور باعث عدم تعادل در حساب موازنه پرداخت‌های کشور می‌شود و آن را به سمت مازاد سوق می‌دهد، در این صورت، حجم ذخایر افزایش می‌یابد و خروج سرمایه برعکس، مسائل و مشکلات تعدیل کوتاه‌مدت را برای دولت‌مدان به همراه می‌آورد که اگر اصلاح فوری در تراز پرداخت‌ها شکل نگیرد، مردم با پیش‌بینی افزایش تورم و نرخ ارز و نرخ بهره و... در جهت مخالف جریان بهبود شرایط اقتصادی حرکت خواهند کرد و فرار سرمایه نیز تشدید می‌شود که اگر این پدیده به صورت دائمی و بلندمدت باشد، چندین اثر منفی مهم بر جای می‌گذارد.

۴. افزایش رشد اقتصادی: ورود سرمایه باعث کاهش قیمت سرمایه (عامل کمیاب تولید در کشور در حال توسعه) شده، بنابراین هزینه‌های تأمین مالی برای سرمایه‌گذاری کم و امکان کسب سود، افزوده می‌شود. پس تولید اشتغال‌زا می‌شود و با توجه به ویژگی جمعیت و نرخ رشد آن، بیکاری کاهش می‌یابد. همچنین افزایش نرخ رشد اقتصادی باعث کاهش خروج سرمایه می‌شود.

۵. افزایش درآمد مالیاتی دولت: ورود سرمایه به میزان ثروت و بالطبع به میزان درآمدهای ناشی از ثروت می‌افزاید، بنابراین، حجم مالیات‌های دریافتی توسط دولت افزایش می‌یابد. افزایش درآمد دولت به واسطه افزایش مالیات باعث کاهش کسری بودجه دولت می‌شود. باید به این نکته اشاره کرد که چنانچه دولت کسری بودجه خود را از استقراض داخلی یا انتشار پول یا استقراض خارجی تأمین مالی کند، تورم و به دنبال آن خروج سرمایه را تشدید می‌کند و از نظر توزیعی، بدهی را به نسل بعدی منتقل می‌کند که نقشی در تصمیم‌گیری و اتخاذ آن نداشته‌اند و از منافع آن استقراض استفاده نکرده‌اند ولی باید آن را بپردازند که این مورد در رابطه با استقراض خارجی طویل‌مدت قطعاً وجود دارد.

۶. بهبود توزیع درآمد: ورود سرمایه باعث بهتر شدن توزیع درآمد می‌شود، زیرا تورم داخلی را کاهش می‌دهد و به ارزش واقعی ثروت و درآمد افراد طبقات پایین جامعه و آنان که ثروت خود را خارج نکرده‌اند، می‌افزاید.

۷. انتقال تکنولوژی: انتقال تکنولوژی روز، به کشور در اثر سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند نقش مهمی در رشد اقتصادی ایفا کند.

۸. افزایش اشتغال: با ورود سرمایه‌گذاری خارجی و مشارکت جهت ایجاد و راه‌اندازی کارخانجات مختلف، جذب نیرو و سطح اشتغال افزایش می‌یابد.

۹. توسعه صادرات و کاهش واردات: با افزایش سرمایه‌گذاری خارجی و راه‌اندازی کارخانجات مختلف حجم تولیدات افزایش می‌یابد و ضمن اینکه نیاز کشور به واردات آن کالای خاص مرتفع می‌شود، می‌توان مازاد تولید را نیز به کشورهای دیگر صادر کرد. شرکت‌های سرمایه‌گذار می‌توانند دسترسی به بازارهای صادراتی برای کالاها و برخی از خدمات را که هم‌اکنون در کشور میزبان تولید می‌شود، به وجود آورند و به آنان کمک کنند که از بازارهای داخلی به بازارهای بین‌المللی روی آورند و آنان را به وادی فعالیت‌های جدید بکشانند. ■

سرمایه‌گذاری خارجی به طور معمول از دو راه سرمایه‌گذاری سبهامی (غیرمستقیم = FPI Foreign Portfolio Investment) و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI = Foreign Direct Investment) انجام می‌شود. خرید اوراق قرضه و سهام شرکت‌ها در معاملات بورس و قبوض سپرده در بانک‌های خارجی از انواع سرمایه‌گذاری به صورت سهام است که در این حالت سرمایه‌گذار خارجی در اداره واحد تولیدی نقش مستقیم ندارد و مسئولیت مالی نیز متوجه او نخواهد بود. این نوع سرمایه‌گذاری همواره با ریسک فرار سرمایه همراه است، چرا که سرمایه‌گذار خارجی در هر زمان می‌تواند با فروش سهام یا اوراق بهادار، سرمایه‌اش را به کشور خود و یا کشور ثالث انتقال دهد. اما سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نوعی سرمایه‌گذاری است که با هدف به دست آوردن منفعت دائمی و همیشگی در مؤسسه‌ای مستقر در کشوری غیر از کشور سرمایه‌گذار انجام می‌شود و نتیجه آن کسب حق رأی مؤثر در مدیریت شرکت است.

به طور کلی، عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را می‌توان به چهار گروه زیر تقسیم‌بندی کرد:

الف- عوامل سیاست‌گذاری اقتصادی (مانند ثبات اقتصادی، میزان ریسک سرمایه‌گذاری و نظایر آن)

ب - عوامل ساختار اقتصادی (مانند زیرساخت‌هایی نظیر راه‌ها، بنادر و سیستم‌های ارتباطی)

ج - عوامل تشویقی و حمایتی (مثل معافیت‌های مالیاتی، اعطای یارانه)

د - عوامل جغرافیایی و سیاسی.

تأثیر FDI بر متغیرهای کلان اقتصادی

سرمایه خارجی به هر علت و شکلی که صورت پذیرد، اثرات قابل‌ملاحظه‌ای روی متغیرهای کلان اقتصادی بر جای می‌گذارد و می‌تواند سیستم‌های اقتصادی را دستخوش تغییر کند. جریان ورود سرمایه خارجی می‌تواند اثرات زیر را در بر داشته باشد: